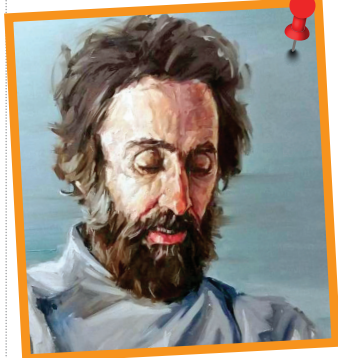


نگاه

سایه‌ها می‌دانند...



شاعران پارسی‌گوی سرزمینمان، به تابستان نگاهی ویژه دارند. یکی از آن‌ها «سهراب سپهری» است؛ شاعری از دل طبیعت که تالستان بخواهد از طبیعت سروده و از دشت و آب و آبادی!

او در شعر «در گلستانه» به جنبه‌های نوجوانانه‌ی تابستان، توجهی ویژه کرده است. ابتدا، بخشی از شعر را با هم بخوانیم: دشت‌هایی چه فراخ / کوه‌هایی چه بلند / در گلستانه چه بوی علفی می‌آمد؟... / لب‌آبی / گیوه‌ها را کندم و نشستم پاها در آب / من چه سبزم امروز / و چه اندازه تنم هوشیار است... / ظهر تابستان است / سایه‌ها می‌دانند که چه تابستانی است / سایه‌هایی بی‌لک / گوشه‌ای روشن و پاک / کودکان احساس! جای بازی این جاست / زندگی خالی نیست / مهربانی هست / سیب هست / ایمان هست...

اول: در جهان‌بینی سهراب، اگر آدمی بتواند با طبیعت اطرافش، هم‌فاز شود، این فرصت را پیدا خواهد کرد تا از آگاهی موجود در چرخه‌ی طبیعت، بهره‌مند شود. به زبان ساده، او معتقد است هوشیاری، تنها از طریق تفکر، مطالعه و مواردی از این دست به‌دست نمی‌آید و فصل تابستان، به‌خاطر گرمای هوا، فصلی است که انسان می‌تواند خود را در جریان طبیعت قرار دهد. می‌تواند پاهایش را در چشمه‌ای با آبی خنک و روان، بگذارد و بی‌واسطه، خودش را در معرض آگاهی طبیعت قرار دهد.

دوم: در فصل تابستان، سایه‌ها، فداکارترین موجودات روی زمین‌اند. چون خود را در معرض آفتاب سوزان خورشید تابستان قرار می‌دهند و به کودکان و نوجوانان پرانرژی و پراحساس، سایه هدیه می‌دهند؛ سایه‌ای که زیر سایه‌ی آن، می‌توان دوید و پرید و بازی کرد.

سوم: سیب، نماد سلامتی است، میوه‌ای که انگار فصل تابستان با آندش، سیب را به ساکنان روی زمین هدیه می‌دهد و آن‌ها را سرشار از سعادت و سلامتی می‌کند.

چهارم: سهراب معتقد است تازمانی که در این جهان تابستان، گرما، عشق و ایمان وجود دارد، امید هم در دل آدمیان حضور خواهد داشت و در این شرایط می‌توان به زندگی شادمانه امیدوار بود.

باز هم تابستان

به نخستین روز از نخستین ماه تابستان خوش آمدید؛ به فصلی که در دنیای نوجوانی، یکی از باشکوه‌ترین فصل‌هاست و وقتی نوجوان‌ها به این واژه فکر می‌کنند، ترکیب‌هایی چون «عشق و حال»، «خوابیدن تا لنگ ظهر»، «یله و رها» و چیزهایی از این دست، در ذهنشان می‌چرخد. در این جا و در این شماره از هفته‌نامه‌ی دوچرخه، قرار است این واژه‌ی دوست‌داشتنی را از جنبه‌های مختلف بررسی کنیم.

بررسی تابستانه‌ی تابستان

تابیدن تیر خورشید در اول تیر تابستان

صادق انسانی

بزن و بکوب‌های تابستانی

انگار تنها ما نوجوان‌ها نیستیم که برای رسیدن تابستان، جشن می‌گیریم و پایکوبی می‌کنیم. ایرانیان از گذشته‌های دور، فرا رسیدن نخستین روزهای فصل تابستان را به هم تبریک می‌گفتند و برای رسیدن آن، پایکوبی می‌کردند.

شاید مهم‌ترین و جذاب‌ترین این جشن‌ها، جشن «آب پاشونک» بود؛ جشنی که نوجوان‌ها هم از آن استقبال می‌کنند و در برپایی آن، توانایی ویژه‌ای دارند! البته قصه‌های مختلفی هم برای شکل‌گیری این جشن روایت کرده‌اند. مثلاً می‌گویند در چنین روزی، کیخسرو با پیروزی از جنگ با افراسیاب باز می‌گشته، در طول مسیر، برای رسیدن به سرچشمه و رفع عطش، از کوهی در شهر ساوه بالا می‌رود و از زور خستگی، پای چشمه، بی‌هوش می‌شود. بیژن، پسر گودرز با نگرانی از آب آن چشمه، به سر و روی پادشاه می‌پاشد و کیخسرو، به‌هوش می‌آید. حاضران، از شادی این اتفاق و برای پیروزی سرزمینشان در جنگ، به هم آب می‌پاشند و این رسم در سال‌های بعد هم ادامه می‌یابد.

اما فلسفه‌ی دیگر برپایی این جشن آن بود که اجداد ما، روز اول تابستان را گرامی می‌داشتند تا از خداوند طلب باران کنند و مردم با آب‌پاشی به هم، سالی پر از باران و پربرکت را آرزو می‌کردند.



میوه‌های سرد در فصل گرم!

احتمالاً با من هم عقیده‌اید که نخستین خوراکی خنکی که با شنیدن کلمه‌ی تابستان، به ذهن می‌آید، بستنی است؛ آن هم بستنی‌های زرد و سرخ و صورتی و سبزی که اگر سرراحت سبز شوند، نمی‌توان به آن‌ها «نه» گفت. بهترین خوراکی‌های تابستانی، خورده‌نی‌هایی است که علاوه بر آب فراوان، طبع سرد نیز داشته باشند. خداوند فکر این‌جا را کرده؛ چون بیش‌تر میوه‌های تابستانی، طبع سرد دارند؛ میوه‌هایی مثل هندوانه، هلو، زردآلو، گیلاس و...

حالا دوچرخه، یک پیشنهاد ویژه برای سیری کردن روزهای گرم تابستان دارد؛ درست کردن بستنی با میوه‌های تابستانی! کار هم ساده است. پوست گیلاس، زردآلو، هلو یا دیگر میوه‌های تابستانی را بکنید و آن‌ها را چهار ساعت در فریزر قرار دهید. سپس میوه‌های یخ‌زده را در مخلوط‌کن بریزید و با کمی شیر، خامه و شکر مخلوط کنید و دوباره مایه‌ی بستنی را حدود هشت ساعت در فریزر قرار دهید؛ بستنی آماده است. پیشنهاد خبرخواهانه‌ی من هم این است که تک‌خوری نکنید؛ و گر نه اعضای خانواده، قبل از این که شست‌شما خبردار شود، همه‌ی بستنی‌ها را نوش جان خواهند کرد! از نوشیدنی‌هایی مثل آب یا ترکیبات آب با آلبیمو و نعتاً در این فصل گرم هم غفلت نکنید.

واژه‌ی تابستان، مرکب از دو بخش است؛ «تاب» که بن مضارع از مصدر تابیدن است و اشاره‌ی مستقیم به تابش مستقیم و بی‌رحمانه‌ی خورشید دارد و پسوند «ستان» که اشاره به زمان می‌کند. از گذشته‌های دور، ایرانیان به تابستان جور دیگری نگاه می‌کردند. این فصل را، دوره‌ی بارور شدن زمین، زمان فراوانی نعمت، فصل تلاش برای کسب روزی و زمان شادمانی می‌دانستند. ایام قوت گرفتن گیاهان و چاق و چله‌شدن چهارپایان، روزهای رسیدن میوه‌های رنگارنگ و دوره‌ی خشک‌شدن حیوانات، از دیگر ویژگی‌های این فصل سال بود.



آرش جان کمان‌گیر

از دیگر جشن‌های تابستانه‌ی باستانی، می‌توان به «جشن نیلوفر» اشاره کرد؛ جشنی که با شکفتن گل‌های نیلوفر در روزهای شگوف‌شدن همراه بود. نیلوفر، گلی که هم‌شکل خورشید بود و پر از امید و شور و نشاط می‌کرد. «تیرگان» نیز از دیگر جشن‌های طوفانی‌ترین روزهای تابستان، دل‌ایرانیان را با همان ایزد یا ستاره‌ی باران، در روز ۱۳ تیر، لباس نو می‌پوشیدند و در آرزوی باران، بین کلمه‌ی تیر، شمارا یاد کدام حادثه‌ی اساطیری می‌اندازد؟ در ست حدس زدید! می‌گویند روزی مشخص کرد، مصادف با همین روز است و ایرانیان، به افتخار آرش خان، جشن تیرگان را برپا می‌کنند. به همین دلیل، سیزدهم تیر را، روز ملی دماوند نیز نامیده‌اند.

